

کتاب دانیال - شمارهٔ چهل و پنج

دگرگونی نمادین: گشودن راز «روزانه» در کتاب دانیال

Jeff Pippenger

2024-01-09

"روزانه" در کتاب دانیال از سوی ویلیام میلر به عنوان نمادی از روم بت‌پرست یا به طور کلی بت‌پرستی شناخته شد، اما در ایام آخرِ نمازِ ردِ حقایق بنیادین ویلیام میلر است. این امر نمایانگر پایانِ شورشی است که در سال ۱۸۶۳، با رد برداشتِ میلر از "هفت بار" موسی در لاویان باب ۲۶، آغاز شد. وقتی ادونتیسیم شناسایی درست "روزانه" به عنوان بت‌پرستی را رد کرد، نماز شیطان را به نماز مسیح بدل کرد. اشعیا این کار را وارونه کردن امور می‌داند. رد "روزانه" در دههٔ ۱۹۳۰ (سومین نسل ادونتیسیم) تثبیت شد، اما از سال ۱۹۰۱ (دومین نسل ادونتیسیم) موضوع مناقشه بود. همانند اسرائیل باستان، رد تدریجی حقیقت به پذیرش خطایی انجامید که عناصر گناه نابخشودنی را در خود داشت.

گناه نابخشودنی برای یهودیان بهانه‌جو زمانی نمود یافت که کارهایی را که مسیح انجام داده بود، به کارهای شیطان نسبت دادند. اسرائیل باستان نماد اصلی اسرائیل مدرن است و اسرائیل مدرن همان کار را انجام داد، اما برعکس. آنان کارهای شیطان (بت‌پرستی) را گرفتند و آن کارها را به مسیح نسبت دادند. شورش اسرائیل باستان، انتخاب شیطان به عنوان پادشاه‌شان را نیز در بر می‌گیرد.

پس چون پیلطس آن سخن را شنید، عیسی را بیرون آورد و در مکانی که آن را «سنگفرش» می‌نامند، بر کرسی داوری نشست، که به عبری «گبانه» خوانده می‌شود. و آن روز، روز تدارک فصیح و حدود ساعت ششم بود. او به یهودیان گفت: اینک پادشاه شما! اما آنان فریاد زدند: دورش کنید، دورش کنید، مصلوبش کنید. پیلطس به آنان گفت: آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟ رئیسان کاهنان پاسخ دادند: ما پادشاهی جز قیصر نداریم. پس او را به آنان سپرد تا مصلوبش کنند. و آنان عیسی را گرفتند و بردند. یوحنا ۱۹:۱۳-۱۶.

پیلطس نمایندهٔ روم و ثنی بود، و خواهر وایت تصریح می‌کند که اژدهایی که در مکاشفه باب دوازدهم از آسمان رانده شد، شیطان است، اما در معنای ثانوی نیز، اژدها روم و ثنی است. بنابراین اژدها یا "daily" daily می‌شود. پایان شورش اسرائیل باستان، زمانی که علناً اعلام کردند: «ما هیچ پادشاهی جز قیصر نداریم»، نشان‌دهندهٔ اعلام علنی آنان بود مبنی بر اینکه آنان تابعان پادشاه خود بودند، و پادشاه‌شان شیطان بود. آن شورش علیه خدا به عنوان پادشاه، در روزگار سموئیل نبی آغاز شد، هنگامی که خدا را به عنوان پادشاه خود رد کردند و خواستار شدند که پادشاهی انسانی به آنان داده شود تا مانند سایر قوم‌ها باشند.

آنگاه همه مشایخ اسرائیل گرد هم آمدند و به نزد سموئیل در رامه آمدند، و به او گفتند: اینک تو پیر شده‌ای و پسرانت در راه‌های تو گام نمی‌زنند؛ اکنون برای ما پادشاهی بگمار تا مانند همه امت‌ها بر ما داوری کند. اما این سخن، وقتی گفتند «برای ما پادشاهی بده تا بر ما داوری کند»، در نظر سموئیل ناخوش آمد؛ و سموئیل به درگاه خداوند دعا کرد. و خداوند به سموئیل گفت: به صدای قوم در هر آنچه به تو می‌گویند گوش فراده، زیرا ایشان تو را رد نکرده‌اند، بلکه مرا رد کرده‌اند تا من بر آنان پادشاهی نکنم. مطابق همه کارهایی که از روزی که ایشان را از مصر بیرون آوردم تا به امروز انجام داده‌اند (که مرا ترک کرده و خدایان دیگر را خدمت کرده‌اند)، با تو نیز همان‌گونه رفتار می‌کنند. اول سموئیل ۸:۴-۸

قوم اسرائیل باستان هرگز دریافت که خدا را رد کرده‌اند، یا اینکه میل آنان به داشتن پادشاهی زمینی به جایی خواهد انجامید که مسیح را مصلوب کنند و شیطان را پادشاه خود برگزینند. سرکشی آنان به سبب اندیشه‌های خودحق‌پندارانه‌شان از دیدگان‌شان پنهان مانده بود؛ اندیشه‌هایی که بر پایه آنها، با وجود رد خدا، همچنان خود را قوم برگزیده می‌دانستند، زیرا به‌رحال چنین استدلال می‌کردند که خدا همچنان خدمت پیامبری مقدسی را، حتی پس از سموئیل، برقرار نگه داشته است.

آن‌ها رسالت پیامبران را بد تعبیر کردند و بر این باور بودند که حضور پیامبران خدا ثابت می‌کند که آنان قوم برگزیده خدا هستند. در نمی‌یافتند که از خدا دور افتاده‌اند و پیامبران می‌کوشیدند آنان را به سوی خدا بازگردانند، زیرا فعالیت پیامبران را به‌عنوان نشانه‌ای از هدایت خدا تفسیر می‌کردند. این در حالی بود که آنان پیوسته همه پیام‌های پیامبرانی را که برایشان فرستاده می‌شد، رد می‌کردند. همین فریب در سال ۱۸۶۳ دامگیر ادونتیسیم شد.

ادونتیسیم جنبشی را که از طریق خدمت ویلیام میلر گرد آمده بود رد کرد و برگزید که در همان سالی که پیام «هفت بار» موسی را، آنگونه که به‌وسیله ایلیا (ویلیام میلر) رسانده شده بود، رد کرد، به‌عنوان کلیسایی به‌طور قانونی ثبت شود. همان سال نمودار نبوتی جعلی‌ای پدید آوردند که دیگر قابل خواندن نبود و دیگر مطابق حقوق ۲:۳ نمی‌توانست «سخن بگوید»، زیرا برای توضیح آن به جزوهای نیاز بود. اما لوح‌های حقوق را می‌شد همان‌گونه که بودند خواند و از این رو می‌توانستند «سخن بگویند».

ادونتیسیت‌ها از هرگونه خودبازنگری درباره تصمیمی که در سال ۱۸۶۳ گرفتند سر باز زدند، زیرا به هر حال نبیه‌ای در میان‌شان داشتند که گواهی می‌داد ایشان همان قوم باقی‌مانده‌ای هستند که در کتاب مکاشفه معرفی شده و روح نبوت را دارد. آنان همان روحیه و منش اسرائیل قدیم را نشان دادند و طغیانی که با رد نخستین گوهر کشف‌شده به‌دست میلر آغاز شد، سرانجام به این انجامید که تشخیص میلر درباره گوهر «daily» را نیز رد کنند.

اسرائیل معاصر برداشت میلر از «روزانه» — نمادی از روم بت‌پرست که خود نماد شیطان است — را رد کرد و ادعا کرد که «روزانه» نماد مسیح است. به بیان دیگر، اسرائیل معاصر برگزید که یک نماد شیطانی را به‌عنوان نماد مسیح بپذیرد. همان‌گونه که اسرائیل باستان اعلام کرد که جز قیصر پادشاهی ندارد — قیصر نماینده روم بت‌پرست است و آن نیز نماد شیطان است.

از نظر کاربرد نبوتی، آن انتخاب ایجاب می‌کرد که اسرائیل معاصر باب‌های هفتم، هشتم و نهم کتاب دانیال را از نو تعریف کند؛ همان باب‌هایی که نمادشان رودخانه اولای است و در تاریخ میلری‌ها موجب افزایش معرفت شدند. آنان ناچار می‌شدند آن باب‌ها را تغییر دهند، زیرا باب هشتم به‌طور مستقیم سه بار به «قربانی دائمی» اشاره می‌کند.

در پرتو تاریخی که در آن رؤیای نهر اولای مهرگشایی شد، پیروان میلر دیگر هیچ پادشاهی زمینی دیگری را پیش از بازگشت مسیح و برپایی پادشاهی جاودانه او، چنان‌که در باب دوم دانیال تصویر شده است، نمی‌دیدند. از این رو، آنان پادشاهی چهارم، یعنی روم، را یک پادشاهی با دو جنبه تلقی کردند. آن دو جنبه به‌طور مستقیم در باب‌های هفتم و هشتم دانیال به تصویر درآمده بودند. دانیال تصریح می‌کند که رؤیایی که در باب هشتم دریافت کرد باید در ارتباط با رؤیای باب هفتم فهمیده شود.

در سال سوم سلطنت پادشاه بلشصر، رؤیایی به خود من، دانیال، ظاهر شد، پس از آنچه نخست بر من ظاهر شده بود. دانیال ۸:۱.

رؤیایی که در آغاز بر دانیال ظاهر شد، رؤیای باب هفتم بود.

در سال اول پادشاهی بلشاصر، پادشاه بابل، دانیال خوابی دید و رؤیاهایی بر بسترش به سرش آمد؛ آنگاه خواب را نوشت و خلاصهٔ امور را بیان کرد. دانیال ۷:۱.

این دو رؤیا نمایانگر دو جنبه از پادشاهی‌های مطرح در نبوت‌های کتاب مقدس‌اند که نخست در فصل دوم دانیال به تصویر کشیده شده بودند. چهار پادشاهی بابل، ماد و پارس، یونان و روم در فصل هفتم و سپس بار دیگر در فصل هشتم تکرار شدند، اما با تمایزی میان عناصر سیاسی این چهار پادشاهی و عناصر دینی آن‌ها. در فصل هفتم دانیال، پادشاهی‌ها به صورت جانوران درنده نمایش داده می‌شوند، اما در فصل هشتم همان پادشاهی‌ها با جانوران قربانی معبد معرفی می‌شوند. دانیال می‌خواست رؤیای فصل هفتم را بفهمد و جبرئیل نزد او آمد تا آن را توضیح دهد.

من، دانیال، در روح خود در درونم اندوهگین شدم و رؤیاهای سرم مرا مضطرب ساخت. به یکی از آنان که ایستاده بودند نزدیک شدم و حقیقت همه اینها را از او پرسیدم. پس او به من گفت و تعبیر این امور را برایم آشکار کرد: این وحوش بزرگ که چهارند، چهار پادشاه‌اند که از زمین برخوانند خاست. اما مقدسان خدای متعال پادشاهی را به دست خواهند گرفت و آن را تا ابد، بلکه تا ابدالآباد، مالک خواهند بود. دانیال ۷:۱۵-۱۸.

به دانیال گفته شد که آن چهار جانور چهار پادشاهی زمینی بودند که تا برپایی پادشاهی جاودانهٔ خدا وجود خواهند داشت، مطابق باب دوم دانیال. قرار بود چهار پادشاهی زمینی پیش از فرارسیدن پادشاهی جاودانهٔ خدا وجود داشته باشند، چنان‌که در باب دوم با سنگی که از کوه کنده شد و تمام زمین را پر کرد نشان داده شده است.

خواهر وایت، هنگامی که به وحش از زمین در باب سیزدهم مکاشفه پرداخت، برداشت میلی‌ها از آن چهار پادشاهی را به مراتب فراتر برد.

در اینجا نماد دیگری معرفی می‌شود. پیامبر می‌گوید: «دیدم وحش دیگری از زمین برمی‌آمد؛ و دو شاخ مانند بره داشت.» آیه ۱۱. هم ظاهر این وحش و هم شیوه برآمدنش نشان می‌دهد که ملتی که نمایندگی می‌کند، با ملت‌هایی که تحت نمادهای پیشین معرفی شده‌اند، متفاوت است. پادشاهی‌های بزرگی که بر جهان حکومت کرده‌اند، به پیامبر دانیال به صورت درندگان نشان داده شدند، که زمانی برمی‌خاستند که «چهار باد آسمان بر دریای بزرگ می‌وزیدند.» دانیال ۷:۲. در مکاشفه هفده فرشته‌ای توضیح داد که آب‌ها نمایانگر «قوم‌ها، انبوه‌ها، ملت‌ها و زبان‌ها» هستند. مکاشفه ۱۷:۱۵. بادها نماد نزاع‌اند. چهار باد آسمان که بر دریای بزرگ می‌وزند، نمایانگر صحنه‌های هولناک فتح و انقلاب‌اند که پادشاهی‌ها به وسیله آن‌ها به قدرت دست یافته‌اند. نبرد عظیم، ۴۳۹.

وحش نماد فتوحاتی هستند که هنگام به قدرت رسیدن پادشاهی‌ها رخ دادند. یک حیوان درنده در بیان نبوی نمایانگر قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی یک پادشاهی است. همان پادشاهی‌هایی که در فصل‌های دوم و هفتم کتاب دانیال به تصویر کشیده شده‌اند، در فصل هشتم نیز نمایانده می‌شوند؛ اما در آنجا همگی با عناصری برگرفته از پرستشگاه خدا پیوند دارند و بدین‌سان عنصر دینی پادشاهی‌ها را نمایندگی می‌کنند، زیرا همگی اتحادی میان کلیسا و دولت بودند.

در سال سوم پادشاهی بلشاصر شاه، پس از آن رؤیایی که در آغاز بر من ظاهر شده بود، یک رویا بر من، یعنی بر من دانیال، ظاهر شد. و در رویا دیدم؛ و چنین شد که چون دیدم، در شوشن قصر بودم که در ایالت عیلام است؛ و در رویا دیدم که کنار رود اولای بودم. آنگاه چشمانم را برافراشتم و دیدم، و اینک قوچی در برابر رود ایستاده بود که دو شاخ داشت؛ و آن دو شاخ بلند بودند، اما یکی از دیگری بلندتر بود، و آن بلندتر پس از آن دیگری برآمد. دیدم که آن قوچ به سوی غرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد، چنان‌که هیچ جانوری یارای ایستادن در برابر او نبود و هیچ‌کس نبود که بتواند از دستش برهاند؛ بلکه به اراده خود عمل می‌کرد و بزرگ می‌شد. و چون در این

می‌اندیشیدم، ناگاه بز نری از سوی غرب بر روی تمام زمین می‌آمد و پایش به زمین نمی‌رسید؛ و آن بز میان چشمانش شاخی برجسته داشت. و نزد آن قوچ دوشاخ که دیده بودم در برابر رود ایستاده است آمد و با شدت قدرت خود بر او تاخت. و دیدم که به قوچ نزدیک شد و به خشم برانگیخته گردید و قوچ را زد و دو شاخش را شکست؛ و در قوچ توانی نبود که در برابرش بایستد، بلکه او را به زمین افکند و او را لگدمال کرد؛ و کسی نبود که قوچ را از دست او برهاند. پس آن بز نر بسیار بزرگ شد؛ و چون نیرومند گردید، آن شاخ بزرگ شکسته شد، و به جای آن چهار شاخ برجسته رو به چهار باد آسمان برآمد. دانیال ۸:۱-۸.

فصل هشتم با این آغاز می‌شود که دانیال تأیید می‌کند در آن زمان در تاریخ نخستین پادشاهی پیشگویی کتاب مقدس (بابل) زندگی می‌کند، اما رؤیایش هیچ نمادی را که قرار بود نماینده بابل باشد مشخص نمی‌کند، زیرا با قوچی آغاز می‌شود که نماینده دومین پادشاهی زمینی ماد و پارس بود. نبود نمادی برای بابل عمدی است، زیرا یکی از ویژگی‌های اصلی بابل این است که پادشاهی‌ای را نمایندگی می‌کند که کنار گذاشته می‌شود و سپس بازگردانده می‌شود؛ چنان‌که در «هفت زمان» زندگی کردن نبوکدنصر مانند یک حیوان نشان داده شده است. در طول آن «هفت زمان»، عنصری از بابل روحانی (دستگاه پاپی) نماینده می‌شود، زیرا دستگاه پاپی همان پادشاهی‌ای است که به مدت هفتاد سال نمادین فراموش می‌شود و در آن مدت زخمی مهلک داشت. این‌که دانیال تصریح می‌کند که رؤیا را «در سال سوم سلطنت شاه بلشصر» دریافت کرده است، بابل را به‌عنوان پادشاهی‌ای که پیش از پادشاهی دوم ماد و پارس قرار دارد مشخص می‌کند، اما در عین حال بر بابل به‌عنوان پادشاهی پنهان یا فراموش‌شده‌ای که در ایام یک پادشاه فراموش می‌شود تأکید می‌کند.

حیوانات فصل هشتم، درندگان نیستند؛ آنها حیواناتی‌اند که در آیین‌های پرستشگاه به‌عنوان قربانی به کار می‌رفتند. پادشاهی چهارم به صورت «شاخی کوچک» معرفی شده است، نه به شکل یک حیوان؛ با این حال، شاخ‌ها بخشی از پرستشگاه خدا بودند، زیرا قربانگاه‌های پرستشگاه خدا شاخ داشتند و شاخ‌ها بخشی از ساختار آنها به‌شمار می‌رفت.

نه تنها چهار پادشاهی نبوت از سوی دانیال با اصطلاحات مربوط به مقدسگاه بازنمایی شده‌اند، بلکه روایت آن فصل نیز چندین واژه را در بر دارد که مستقیماً از خدمت مقدسگاه خدا گرفته شده‌اند. روایت فصل با واژه‌های عبری برگرفته از خدمت مقدسگاه ارائه شده است، و نیز عمل تقدیم قربانی در خدمت مقدسگاه در ساختار خود فصل تعبیه شده است. این واقعیت که دانیال عمداً فصل‌های هفتم و هشتم را به هم پیوند داده، به کسانی که می‌خواهند دریابند این امکان را می‌دهد که بفهمند فصل هفتم، سازوکار کشورداری پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس را شناسایی می‌کند و فصل هشتم، سازوکار کلیسایی پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس را.

ادونتیسیم مجبور شده است این حقیقت را با افسانه‌های شیطانی لاپوشانی کند، زیرا این اذعان نشان می‌دهد که گوهرهای میلر دقیقاً همان‌گونه بودند که خدا آن‌ها را طراحی کرده بود. رد برداشت میلر از «دائمی» چنان وانمود می‌شود که گویی «خدا هیچ درکی نداشت»، زیرا آنان ادعا می‌کنند که وقتی خدا چارچوب را به میلر داد (از طریق خدمت فرشتگان مقدس)، آن دقیق نبود.

حقاً شما همه‌چیز را وارونه می‌کنید، گویی کوزه‌گر همان گل است؛ زیرا آیا ساخته درباره سازنده خود می‌گوید: «او مرا نساخت»؟ یا آنچه صورت یافته است درباره صورت‌دهنده خود می‌گوید: «او فهمی ندارد»؟ اشعیا ۴۶:۱۶.

چارچوب میلر همان ساختار نبوی‌ای بود که او آن را شناخت و به کار گرفت، اما از سال ۱۸۶۳ به بعد، ادونتیسیم برای پنهان کردن گوهرهای رؤیای میلر، به کاربست‌های الهیاتی پروتستانتیسیم مرتد و کاتولیسیم بازگشت. ادونتیسیم برای آن‌که کار و نیز سازنده کار را رد کند، چارچوبی کاذب (آنچه

ساخته شده بود) را پذیرفت. با این کار، ادعا می‌کنند سازنده کار فهمی ندارد. رد آن چارچوب، بود و هنوز هم هست، رد افزایش معرفتی که در ۱۷۹۸ مهرش گشوده شد. کسانی که افزایش معرفت را رد می‌کنند، کار و سازنده کار را رد می‌کنند، و به تعبیر دانیال، آنان «شریران» بودند.

بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. دانیال ۱۳:۱۰

"شریران شرارت خواهند کرد"، و بدین‌سان حاکی از روندی پیش‌رونده و تشدیدشونده در رد حقیقت است. رد چارچوب از سوی شریران، رد خداست؛ و خدا نیز در مقابل، شریران را به سبب آن ردی که می‌کوشند با چارچوبی جعلی محقق کنند، رد می‌کند.

قوم من از کمبود معرفت هلاک می‌شود؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ چون شریعتِ خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

قوم خدا که از سال ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ «کاهنان» خدا بودند، به سبب فقدان آن «معرفتی» که از طریق خدمت ویلیام میلر افزایش یافته است، رد شدند. مهم است که سیاق آیه شش کتاب هوشع را در نظر بگیریم، زیرا این سیاق شورش فزاینده بر ضد حقیقت را که به صورت «معرفت» نمایانده شده است، مشخص می‌کند.

ای فرزندان اسرائیل، کلام خداوند را بشنوید؛ زیرا خداوند با ساکنان این سرزمین نزاع دارد، چون در این سرزمین نه راستی است و نه رحمت و نه شناختِ خدا. به سوگند خوردن و دروغ گفتن و کشتن و دزدیدن و زنا کردن سر برآورده‌اند، و خون به خون می‌پیوندند. از این رو زمین ماتم خواهد گرفت، و هر که در آن ساکن است، با حیوانات صحرا و پرندگان آسمان، خواهد پژمرد؛ بلی، ماهی‌های دریا نیز از بین خواهند رفت. با این همه، کسی ستیزه نکند و کسی دیگری را توبیخ ننماید، زیرا قوم تو همچون کسانی‌اند که با کاهن ستیزه می‌کنند. پس تو در روز خواهی افتاد، و نبی نیز در شب با تو خواهد افتاد، و من مادر تو را هلاک خواهم کرد. قوم من از نبود معرفت هلاک می‌شوند؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد می‌کنم تا برای من کاهن نباشی؛ چون شریعتِ خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هرچه بیشتر شدند، بیشتر بر من گناه ورزیدند؛ از این رو جلالشان را به شرمساری تبدیل خواهم کرد. آنان گناه قوم مرا می‌خورند و دل خود را بر شرارت ایشان می‌نهند. و چنین خواهد شد: مثل قوم، مثل کاهن؛ و من آنان را به سبب راه‌هایشان کیفر خواهم داد و پاداش اعمالشان را به ایشان خواهم داد. زیرا خواهند خورد و سیر نخواهند شد؛ فحشا خواهند کرد و افزون نخواهند شد، زیرا از توجه به خداوند دست کشیده‌اند.

فحشا و شراب و شراب تازه دل را می‌ریزند. قوم من از کنده‌های چوبی خود مشورت می‌جویند، و عصایشان به ایشان خبر می‌دهد؛ زیرا روح فحشا سبب گمراهی‌شان شده است، و از فرمان خدای خویش بیرون شده، به فحشا روی آورده‌اند. بر فراز کوه‌ها قربانی می‌کنند و بر تپه‌ها، زیر بلوط و سپیدار و نارون، بخور می‌سوزانند، چون سایه‌شان خوشایند است؛ از این رو دخترانتان فحشا خواهند کرد و عروسانتان زنا خواهند نمود. چون دخترانتان فحشا کنند آنان را کیفر نخواهم داد، و نه عروسانتان را چون زنا ورزند؛ زیرا خود با فاحشه‌ها همنشین‌اند و با فاحشه‌ها قربانی می‌کنند؛ پس قوم بی‌فهم سقوط خواهد کرد. اگرچه تو، ای اسرائیل، فحشا می‌کنی، اما یهودا گناه نوزد؛ به جلال نیایید، و به بیت‌آون برنروید، و سوگند مخورید: «به حیات خداوند!» زیرا اسرائیل چون تلیسه‌ای سرکش پس می‌لغزد؛ اکنون خداوند ایشان را چون بره‌ای در جایی فراخ خواهد چرانید. افرایم با بت‌ها پیوسته است؛ رهایش کنید. شرابشان ترشیده است؛ پیوسته فحشا کرده‌اند؛ سروانش ننگ را سخت دوست می‌دارند: «بدهید!» باد او را در بال‌های خود بسته است، و آنان

به سبب قربانی‌هایشان شرمسار خواهند شد. هوشع ۴: ۱۹-۱۸.

هشدار هوشع این است که «خداوند با ساکنان سرزمین دعوی دارد، زیرا در آن سرزمین نه راستی هست، نه رحمت، و نه شناخت خدا.» ادونتیسیم قوم خدا در روزهای آخر است. روزی که مردِ جارو به دست وارد اتاق می‌شود، ادونتیسیم، شامل مردم، کاهنان و پیامبران، «که نمی‌فهمند، خواهند افتاد»، زیرا آنان «به بت‌ها خواهند پیوست». بت‌های آنان همان آموزه‌های جعلی‌شان است که در چارچوبی جعلی تنیده شده است.

شورش‌هایی که با ردّ افزایش دانش نمایانده می‌شود، تشدید تدریجی طغیان است که به نقطه‌ای می‌رسد که دوره مهلت‌شان با اعلام این‌که به تعالیم جعلی‌ای که از اتاق می‌لر بیرون جارو شده‌اند پیوسته‌اند، پایان می‌یابد. طغیان آنان به صورت ارتکاب مداوم فحشا تصویر می‌شود. از 1863 به بعد تا پایان مهلت، آنان پیوسته شورش می‌کنند تا آن‌که از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شوند.

سرکشی ناشی از ردّ دانش با «پیوسته» زنا کردن آنان نمایانده می‌شود، و گرچه آن همان واژه عبری نیست، معنایش با واژه عبری «تامید» که به معنای «پیوسته» است یکی است، و آن در کتاب دانیال به «daily» ترجمه شده است.

ما مطالعه خود درباره چهار پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«سپس دیدم که در ارتباط با «دائمی»، واژه «قربانی» به واسطه خرد انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت دآوری را سر دادند. زمانی که اتحاد وجود داشت، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه درباره دیدگاه درست «دائمی» هم‌نظر بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به بعد، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است.» ریویو و هرالده، ۱ نوامبر ۱۸۵۰.